

به نام خالق زیبایی ها

آموزش نشانه ها (۲)

املاي کامل کردنی

نام زیباییت :

سفر دلپذیر

زنگ بود . خانم آموزگار : کدام یک از شما تابستان

..... به مسافرت؟

آذر دست بلند کرد و گفت :

تابستان گذشته با پدر ، و برادرم به رفتیم .

از دیدن جنگل ها ، ، کوه ها و شالیزارها بردیم .

آن جا هوای خوب و داشت .

برادرم گفت : کاش می توانستم را که می بینم ، بنویسم .

مادرم گفت : وقتی به مدرسه ، نوشتن را یاد می گیری

تا آن زمان ، هر چه را دیده ای ، کن .

به نام خالق زیبایی ها

نام زیبایت : املائی کامل کردنی آموزش نشانه ها (۲)

رضا

صدای را از مسجد شنیدم . همراه پدرم به رفتم .

کنار وضو گرفتم .

وقتی داخل مسجد شدیم ، مردم بودند .

دوستم در مسجد نبود . پدرش را دیدم . به او کردم و

پرسیدم: چرا امروز رضا

پدرش گفت : رضا است .

من و پدرم، برای رضا کردیم .

بعد از از پدرم اجازه گرفتم و به رضا رفتم.